

بررسی کانون‌سازی در مجموعه داستان‌های «خاک آشنا» از اسماعیل فصیح

زهرا داور^۱

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه زابل

چکیده

کتاب «خاک آشنا»، دومین اثر اسماعیل فصیح، دارای سیزده داستان کوتاه است. از آنجا که کانون‌سازی به معنای انتخاب کانون‌دید برای مشاهده دنیای داستان است و در آن ادراک عوامل دیگری غیر از روایت نیز گزارش و تحلیل می‌شود، بررسی و مقایسه داستان‌های «خاک آشنا» از دیدگاه کانون‌سازی موجب شناسایی بهتر این اثر می‌شود، از این جهت بررسی کانون‌سازی در داستان‌های کتاب «خاک آشنا» ضروری می‌نماید. لذا داستان‌های کتاب «خاک آشنا» به شیوه توصیفی-تحلیلی، از لحاظ انواع کانون‌سازی (فاعلی-تجربه‌گر)، جنبه‌های کانون‌سازی (وجه ادراکی، روان‌شناختی و ایدئولوژیکی) با هدف شناسایی سیر نویسندگی فصیح، مورد بررسی قرار گرفت و نتایج حاکی از آن است دیدگاه کانونی‌ساز بیشتر همه‌زمانی و همه‌مکانی است، داستان‌ها با روایت اول شخص دارای کانونی‌ساز در نقش فاعلی-تجربه‌گر هستند و ایدئولوژی به دو بخش تک ایدئولوژی و چندایدئولوژی تقسیم می‌شود.

واژگان کلیدی: کانون‌سازی روایت، اسماعیل فصیح، خاک آشنا.

۱-مقدمه

روایت برای بیان مطلب خود در جایگاهی قرار می‌گیرد و زاویه دیدی برای خود اتخاذ می‌کند که از طریق آن به تماشای دنیای داستان بپردازد، این جایگاه کانون روایت نام دارد. کانون‌سازی Focalization، منظر زاویه دیدی است که مسائل به صورت غیر صریح از رهگذر آن دیده، فهمیده، درک، احساس، و ارزیابی می‌شود، زاویه دید یا چشمانی که از منظر آن تمام یا بخشی از متن روایی دیده می‌شود (دزفولیان، ۱۳۹۰: ۷۲). کانونی‌سازی از جمله مهمترین متغیرهایی است که ویژگی گذرگاه میان سخن و داستان را تعیین می‌کند (علی‌زاده و سلیمیان، ۱۳۹۱: ۱۱۵). بنابراین زاویه دید در اینجا تنها دیدگاه بصری را دربر نمی‌گیرد و مفهومی ادراکی، روان-شناختی و ایدئولوژیکی دارد (تولان، ۱۳۸۶: ۱۰۸-۱۰۹). این گوناگونی در روایت‌ها و انتخاب نقطه‌ای برای کانون‌سازی، باعث بوجود آمدن تأثیری کلی در رمان‌ها می‌شود و نقشی تعیین کننده دارد که روایت دانا کیست و به رخدادها واقف می‌باشد یا از نظرگاهی محدود به قهرمانان داستان می‌نگرد و قادر به پیش‌بینی نیست (کالر، ۱۳۸۹: ۱۱۹-۱۲۲).

^۱ Davar7693@gmail.com